



سید حمزه حسینی

چالش های خصوصی سازی شهری ورود خدمات شهری به بازار سرمایه

ورود بخش خصوصی به عرصه خدمات شهری

جنگ جهانی دوم و بحران های اقتصادی ناشی از آن باعث شد تا مداخله گری دولت ها در اقتصاد بیش از پیش قوت گیرد، با این حال فرونشستن ناپسامانی های اقتصادی ناشی از جنگ، ناکارآمدی و فساد نهفته در دل اقتصاد دستوری را نمایان ساخت.

با ظهور اندیشه نوکلاسیک در دهه ۸۰، خصوصی سازی به عنوان یکی از راهبردهای اساسی در اصلاح ساختار اقتصادی کشورها مورد توجه واقع شد و در دهه ۹۰، خصوصی سازی خدمات شهری در رأس سیاست های کشورهای توسعه یافته قرار گرفت، این روند در کشورهای در حال توسعه نیز دنبال شد، به طوری که در دهه اخیر شاهد موج وسیع گرایش دولت ها به خصوصی سازی خدمات شهری بوده ایم.

هر چند عوامل متعددی در گسترش خصوصی سازی خدمات شهری دخیل است اما مهم ترین دلایل آن را باید در ناتوانی مدیریت شهری

در پاسخ گویی به روند فزاینده تقاضا برای این گونه خدمات جستجو کرد. با گسترش زندگی شهری، تقاضای دریافت خدمات در شهرها به یکباره افزایش یافت و عدم کفایت زیرساخت های خدمات شهری، فشار مضاعفی را بر دولت ها تحمیل کرده است؛ از سوی دیگر مدیریت شهری به شیوه سنتی، اغلب با فشارهای مالی و مشکلات اجرایی همراه بوده است.

خصوصی سازی در ایران

خصوصی سازی در ایران نیز از نتایج مورد انتظار فاصله در خور تأملی دارد، علت این تفاوت ها را باید در فهم سیاست گذاران از دو مقوله خصوصی سازی و ملاحظات آن در حوزه خدمات عمومی جستجو کرد. برخی سیاست گذاران به اشتباه خصوصی سازی

را در ارتباط با احیای اندیشه حاکمیت بازار تفسیر کرده اند، در برخی کشورها نیز به بهانه خصوصی سازی، زمینه تداوم حاکمیت دولت در پوشش شرکت های خصوصی فراهم آمده است؛ این در حالی است که صاحب نظران خصوصی سازی را تعریف فرصت های جدید برای مشارکت بخش خصوصی در فعالیت اقتصادی و کاهش حجم تصدی گری دولت دانسته اند.

چالش ها و موانع خصوصی سازی خدمات شهری

بررسی های صورت گرفته نیز این موضوع را تأیید کرده و حاکی از آن است که خصوصی سازی خدمات شهری در هر کشور با چالش ها و موانعی به خصوصی روبه روست که در ادامه به برخی از مهم ترین آن اشاره می شود. یکی از این موانع، مقاومت های گروه های مختلف، از جمله مقاومت کارکنان سازمان های عمومی مدیریت شهری است، خصوصی سازی معمولاً با افزایش بهرهوری و ساماندهی مجدد در منابع انسانی همراه است؛ لذا کارکنان این گونه سازمان ها ممکن است نگرانی هایی را در خصوص تعدیل نیرو پس از خصوصی سازی داشته باشند. یکی دیگر از موانع خصوصی سازی خدمات شهری، عدم وجود سازوکار مناسب برای نمایش تغییرات مالی و عملکردی ارائه خدمات، پس از انجام خصوصی سازی است، به عبارت دیگر، عدم وجود اطلاعات مناسب به منظور ارزیابی عملکرد بخش خصوصی از جمله موانع خصوصی سازی خدمات شهری به محسوب می شود. ضعف

بازار سرمایه قادر است بخش خصوصی را برای حضور فعال در عرصه خدمات شهری توانمند سازد، ابزاری که استفاده حساب شده از آن می تواند شفافیت، تأمین مالی، پاسخگویی و ارتقاء کیفی و کمی خدمات را برای مدیریت شهری به دنبال داشته باشد.

مدیریت شهری در انعقاد قرارداد با بخش خصوصی نیز یکی دیگر از مهم ترین موانع خصوصی سازی خدمات شهری است، این مسئله گاهی توجیه پذیری طرح های واگذاری ارائه خدمات به بخش خصوصی را تحت الشعاع قرار داده است، همچنین این معضل می تواند کاهش تمایل بخش خصوصی به شرکت در مناقصه های خدمات شهری را به دنبال داشته باشد.

عرضه سهام شرکت های اجرایی خدمات در بازار سرمایه

تاکنون راه حل هایی نیز برای رفع موانع فوق ارائه شده است، به طور مثال برای کاهش مقاومت کارکنان سازمان های مدیریت شهری، سیاست هایی چون ایجاد انگیزه بازنشستگی پیش از موعد، تحمیل سقف تعدیل کارکنان به بخش خصوصی و ایجاد زمینه رقابت شرکت های دولتی در کنار بخش خصوصی پیشنهاد شده است، همچنین سیستم های اطلاعات مدیریت نیز می تواند ابزار مناسبی برای ارزیابی، حساسی و رصد مالی بخش خصوصی فعال در خدمات شهری باشد. هر چند این گونه سیاست ها به رفع بخشی از مشکلات خصوصی سازی کمک کرده است اما هیچ یک از این راه حل ها نتوانسته روند توسعه خصوصی سازی خدمات شهری را تسریع کند؛ در این میان، شکست کارکردهای مدیریت شهری به دو بخش سیاست گذاری و اجرایی می تواند سرآغاز راه حل های جدید باشد، چرا که کارکرد سیاست گذاری خدمات عمومی فاقد قابلیت واگذاری به بخش خصوصی است اما کارکردهای اجرایی که بخش اعظم کارکردهای مدیریت شهری را در بر دارد، واجد این قابلیت است. از این منظر، ساماندهی واحدهای مختلف اجرایی مدیریت شهری در قالب چند شرکت خصوصی و عرضه سهام آن در بازار سرمایه می تواند گام بلندی در راستای عبور از موانع بیان شده باشد.

از یک سو عرضه بخشی از سهام به کارکنان شهرداری می تواند کاهش مقاومت نیروی کار را به دنبال داشته باشد، به این ترتیب کارکنان خود را در تعیین سرنوشت کاری خود مؤثر دانسته و به علاوه می توانند از مزیت های این سرمایه بهره مند شوند. از سوی دیگر، الزامات بازار سرمایه و حسابرسی دقیقی که در آن صورت می گیرد، شرکت های ارائه خدمات شهری را به سمت ارتقاء مدیریت مالی و شفافیت در هزینه و درآمد سوق می دهد، به این ترتیب، گزارش های مالی شرکت و ارزیابی های صورت گرفته در بازار سرمایه، سیاست گذاران را قادر می سازد تا بدون نیاز به حسابرسی و ارزیابی مالی مجدد، توانمندی شرکت های متقاضی مناقصات را مورد ارزیابی قرار دهند. تأمین سرمایه مورد نیاز برای اجرای طرح های کلان نیز یکی دیگر از مزیت های بازار سرمایه است، احداث بزرگراه، تونل و قطار شهری تنها بخشی از طرح های مدیریت شهری است که انجام آن بدون دسترسی به حجم بالایی از سرمایه ممکن نیست، در این میان بازار سرمایه می تواند بهترین گزینه برای تجمیع سرمایه های خرد و تأمین سرمایه مورد نیاز طرح های کلان باشد.

در نهایت باید گفت، بازار سرمایه قادر است بخش خصوصی را برای حضور فعال در عرصه خدمات شهری توانمند سازد، ابزاری که استفاده حساب شده از آن می تواند شفافیت، تأمین مالی، پاسخگویی و ارتقاء کیفی و کمی خدمات را برای مدیریت شهری به دنبال داشته باشد.